

## کرفه

کرفه بمعنی کار نیک یا ثوابست. در زبان پهلوی ساسانی این واژه کرفک (۱) برابر رونس بمعنی گناه آمده است. در ادبیات زردشتیان واژه کرفه از واژه‌های رایج و ترکیبات کرفه‌گر، کرفه‌کار، کرفه‌گزار، ... بسیار آمده است. زردشت بهرام پژدو گوینده زردشتی مذهب قرن هفتم هجری که کتاب ارداویرافنامه را بشعر فارسی سروده این واژه و ترکیبات آنرا بسیار بکار برده است:

اگر این قوم در گیتی که بودند گناه از کرفه کمتر مینمودند (۲)  
بکرفه کردن و بست و بزرها برام ورزش دین بود تخنا (۳)  
نه بگذارد یکی از چند هزاران چنین دان کار آن کرفه گزاران (۴)  
ایرانیان باستان چنین میانداشیدند،

که :  
کار نیک آدمی را بشادی و رامش و سرانجام بخوشبختی  
میرساند (۵).  
پرتال جامع علوم انسانی  
ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

که : راه سعادت و خوشبختی راستی، درستی، نیکی است.  
که : سرآغاز کار نیک رادی و بخشدگی است.

۱- Kerpak یا Kerfak

۲- ص ۲۹ ارداویرافنامه منظوم تالیف نگارنده

۳- ص ۴۱

۴- ص ۱۰۰

۵- در کتاب روایات داراب هرمزدار صفحه ۲۲ جلد اول چنین آمده : «... چه سر دین، به مزدینی راستی است و پس رادی و از این دور کرفه هیچ چیز بهتر نیست.»

و گاه و بیگاه در پرستشگاههای خود میسرودند،  
 راستی بهترین نیکی است، خوشبختی برای کسی است  
 که راست و خواستار بهترین راستی باشد.  
 تأثیر این نوع اندیشه‌ها در آثار گویندگان زبان فارسی نیز  
 بچشم میخورد، ایبات زیر از انوری گویندهٔ قرن ششم هجری است:  
 عادت کن از جهان سه خصلت را  
 ای خواجه وقت مستی و هشیاری  
 زیرا که رسگار بدان گردی  
 امید رستگاری اگر داری  
 با هیچکس نگشت خرد همره  
 کان هر سه را نکرد خریداری  
 در هیچ دین و کیش کسی نشنید  
 هرگز ازین سه مرتبه بیزاری  
 دانی که چیست آن بشنو از من  
 رادی و راستی و کم آزاری (۳)  
 درمیان نوشته های بهلوی قطعه زیر در باره کُرفه آمده  
 این قطعه با خط آمدبیره (۴) است و هومی چاچا (۵) آنرا  
 ضمن متن بهلوی گجسناک ابالیس (۶) که در سال ۱۹۳۶ میلادی  
 در بمبئی انتشار داده بچاپ رسانیده است. در این گفتار نگارنده  
 نوشته مزبور را از خط آمدبیره بخط فارسی برگردانیده و ترجمه  
 آنرا بفارسی آورده است. واژه‌هایی که نیاز بشرح داشته در  
 زیرنویس ترجمه فارسی شرح آنها داده شده است.

۴ - یکی از خط‌های دوره ساسانی

۳ - دیوان انوری باهتنام مدرس رضوی ، جلد ۲ ص ۷۳۷

— Homi E. Chacha

— ۶ Gajastak Abâlîsh



وانو ر لک لکلا سورا ر لک لکلا ر لک لکلا  
که لک لکلا :

وانو ر لک لکلا سورا ر لک لکلا ر لک لکلا :

وانو ر لک لکلا سورا ر لک لکلا ر لک لکلا

ر لک لکلا سورا ر لک لکلا [۱۶]

وانو ر لک لکلا سورا ر لک لکلا سورا ر لک لکلا  
ر لک لکلا سورا ر لک لکلا :

ر لک لکلا سورا ر لک لکلا سورا ر لک لکلا -

ر لک لکلا سورا ر لک لکلا سورا ر لک لکلا -

ر لک لکلا سورا ر لک لکلا سورا ر لک لکلا -

ر لک لکلا سورا ر لک لکلا سورا ر لک لکلا -

ر لک لکلا سورا ر لک لکلا سورا ر لک لکلا -

پروژه کاوه علوم انسانی و مطالعات تربیتی

رتال جامع علوم انسانی

کرفک پرورتار هست ی روبان چیگون بیت و مات ابر فرزند.

کرفک دری و شاتن ی او وهشت ی بامیک ..

کرفک هوماناک هست او گروتمان ی مان ی اوهرمزد کی مس و ویه ونیو کتر

هچ هر گاس ی هچ ایتاک گوکاسیه پت هاتوخت پیناک ... هچ آن گیواک (۱)

ایتاک .. ژنو برزو - نر. برزو. گریو. برزو. مانو. ستارو. ماونگه هورو. انفر

روچاو .

زانوک بالا. مرت بالا. گربالا. میترگ پایک. (۱) سترپایک، ماه پایک خورشید پایک

آن ی اسر روشن پایک خوتات ..

۱ - پایک بصورت یانک و گیواک بصورت جیناک نیز خوانده شده است.



## بنام دادار

کسی که می‌میخورد چون این پنج چیز در او پدیدار شود نشانه پاکی و پرهیزگاریست (۱)  
کامل فکری، نیک‌اندیشی، مردم دوستی، رادی، آشتی خواهی.

و چون این پنج چیز پدیدار شود نشانه بلیدی و ناپاکی است (۲)

۱- در سنت پیشینیان چنین آمده که هر یک از صفات نیک یا بد را فرشته یا دیوی نگاهبان است در اینجا فرشتگان زیر نمودار صفات نیکی هستند که نام برده شده.  
خرد پاک که در اوستا سنت مینو spenta mainyu و در پهلوی سبندمینو آمده نمودار کامل اندیشی است.

بهمن که در اوستا وهومنه Vohumanah و در پهلوی وهومن آمده نمودار اندیشه نیک و خرد و دانائی است.

شهریور که در اوستا خشروئیریه Khshathra vairyā و در پهلوی شتریور آمده نمودار قدرت و توانائی و رحم و مروتست. *ژورنال کاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*  
رادی که در اوستا راتی Rāti و در پهلوی راتیه آمده بمعنی بخشندگی و دهش است.

فرشته رادی در اوستا راتا Rātā آمده است. *ژورنال جامع علوم انسانی*  
اسفندارمد که در اوستا سنت ارمیئی spenta armaiti و در پهلوی سبندرمت آمده نمودار صلح و سازش است.

(در کتابهای دینی زردشتی سروش نیز فرشته اطاعت و فرمانبرداری یاد شده‌است).

۲- در اینجا دیوان زیر نمودار صفات رشتی است که یاد شده:  
ترومئی T'aromaiti که در پهلوی ترمینشیه آمده دیو خیره‌سری و از همستاران سبندمینو، یا خرد پاکت.

اکمنه AKa manah که در پهلوی اکومن آمده دیو بداندیشی و از همستاران بهمین فرشته نیک‌اندیشی است.

سُورو Sauru که در پهلوی ساور آمده دیو آشوب و مستی از همستاران شهریور فرشته توانائی و رحم و مروتست.

نقیه در صفحه بعد

کوتاه‌فکری بداندیشی، مردم دشمنی، نارادی، (خست)، ناآشتی‌خواهی (۳).

\*\*\*

کار نیک پرورنده روانست همچون پدر و مادر، فرزند را.

کار نیک دری می‌گشاید به بهشت بامی. (۴)

کار نیک ماننداست به گروتمان (۵)، مان (۶) اورمزد که مه و په و نیکنر از هرگاه (۷) است.

شاهد از اوستا (۸) به هادخت (۹) پیداست.:

اراتی Arāti که در پهلوی پنیه آمده دیو نارادی وخت واز همستاران rātā فرشته رادی است. ناگت که در اوستا بصورت ناو نهی‌یه Naonhaithya آمده در کتابهای دینی زردشتی دیو ناخشودوی یاد شده است.

در متن پهلوی این قطعه نام دیوهای زیر آمده اکومن، اندر، ساور، ناگت، تایریج، زایریج. اندر که در اوستا بصورت Indra آمده دیو فریفتاری و گمراه‌کننده است و در کتابهای دینی زردشتی همستار و دشمن اردیبهشت فرشته راستی است.

تایریج که در اوستا بصورت tauru آمده دیو گرسنگی و در کتابهای دینی زردشتی همستار و دشمن خرداد فرشته کمال و رسائی است.

زایریج که در اوستا بصورت Zauru آمده دیو تشنگی است و در کتابهای دینی زردشتی از همستاران امرداد فرشته بيمرگی یاد شده‌است.

۳ - این قطعه از رودکی شاعر قرن چهارم هجری است:

می آرد شرف مردمی پدید  
و آزاده نژاد از درم خرید

می آزاده پدید آرد از بداصل  
میرانجام علوم انسانی فراوان هنر است اندرین نبید

۴ - بهشت بمعنی بهترین جهان است دو ست بیستینان بهشت دارای طبقاتی بوده، هومتگاه یا ستاره‌پایه، هوخنگاه یا ماه‌پایه، هوروشنگاه یا خورشیدپایه گروتمان یا جایگاه فروغ بی‌پایان واژه با می بمعنی روشن و فروزنده است.

۵ - گروتمان که در ادبیات فارسی بصورت گرزمان آمده بمعنی عرش اعلی و جایگاه فروغ بی‌پایان و آخرین طبقه بهشت است.

۶ - مان بمعنی خانه و غالباً با خان مترادف آورده میشود.

۷ - گاه : جای، مقام.

۸ - اوستا : نام کتاب دینی ایرانیان باستانست و شامل پنج بخش است : یستا، یشتها وندیاده، ویسرد، خرده اوستا.

۹ - هادخت : نام بیستین ناک اوستای دوره‌ساسانی.

اوستا : به بلندی زانو، بلندی مرد جایگاه ابرها، ستاره‌پایه، ماه‌پایه، خورشیدپایه، بالاخره به فروغ

بی‌پایان (۱۰).

پیداست که این چندگاه نیکی و جای پاکان به کار نیک بسته بود و با کار نیک هر کسی می‌تواند شایسته

آن شود.

همه مردمان با انجام کار نیک شایستگی دارند به اورمزد و امشاسفندان (۱۱) برسند

به تن پسین (۱۲) انجمن ایدواستران (۱۳) چون کار نیک انجام داده اند مرد و پاداش دهند و گناه را

پادافراه (۱۴) نمایند. نیکش کنند. بی‌اش به،

#### پاکی و برهیزگاری نیکست.

۱۰ - در متن پهلوی این جمله اوستایی از هادخت نیک آمده و پس به پهلوی برگردانیده شده است.

۱۱ - امشاسفندان : نام یکدسته از فرشتگان آئین مزدیسنی است که با اهورمزدا در اندازه امور جهان همکاری دارند هر یک از این فرشتگان دو وظیفه دارند یکی وظیفه مینوی و دیگری وظیفه جهانی نام آنها به ترتیب بقاری چنین است:

اورمزد، بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفندارمند، خرداد، ارداد

۱۲ - تن پسین : تنی که روان مردگان با آن برمی‌خیزند، رستاخیز.

۱۳ - ایدواستر : نام بزرگترین پسر حضرت زردشت پیغمبر ایران باستان است در زمان باستان

مردم به سه گروه بخش می‌شدند: شورش روحانیان ۲ - در زمین زمین - کشاورزان و صنعتگران. در سنت مزدینا طبقه روحانیان از پشت ایدواستر بزرگ حضرت زردشت می‌باشند.

در اینجا مقصود انجمن روحانیان **رجال مینویان ایدواسترانی**

در کتابهای دینی زردشتی ایزدان مهر، سروش، رشن، از فرشتگانی هستند که در رستاخیز بکار روانها رسیدگی میکنند.

۱۴ - پادافراه : سزا، مکافات .